

چشم‌انداز مطالعه و آموزش اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی (نقد وضعیت موجود و ارائه رویکرد جدید)

امیر خادم علیزاده^۱

چکیده

یادگیری و آموزش در طول تاریخ، نقش بسزایی در رشد و تکامل علوم بشری داشته است. مطالعه درست و آموزش کارآمد اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی، می‌تواند به رشد این شاخه مهم از اقتصاد کمک نموده، تقاضا برای آن را بخصوص در جامعه‌های اسلامی افزایش دهد. هدف از این نوشتار که با روش تحلیل انتقادی انجام شده، بررسی و نقد رویکردهای مطالعه و آموزش اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی است که به دنبال آن از رویکرد تطبیقی - انتقادی برای آموزش درس اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی در شرایط گذار جامعه به سوی جامعه ایده آل اسلامی، سخن گفته شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نظریه اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی، به طور کافی و مؤثر تبیین نشده است؛ و در مراکز علمی - پژوهشی و تصمیم‌گیری اقتصادی، تقاضای مؤثری برای آن وجود نداشته است؛ و اینکه آموزش تطبیقی - انتقادی این درس، به همراه انجام مطالعات آماری، موجب افزایش اثربخشی و تقاضای مؤثر برای آن می‌شود.

واژگان کلیدی: اقتصاد کلان، آموزش، روش تطبیقی، رویکرد اسلامی

۱. دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، رایانامه aalizadeh@atu.ac.ir

۱. مقدمه

این ایده حاصل دقت و اندیشه در طول چندین سال می‌باشد و یک بسته اندیشگی در ارتباط با کارایی کیفیت مطالعه و آموزش و تدریس اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی است. آموزشی که برای جامعه علمی، مفید و برای دانشجویان این درس جاذبه کافی داشته باشد و بتواند اندیشه‌های اسلامی را در عرصه اقتصاد به‌طور کلی و اقتصاد کلان به‌طور خاص، منعکس کند. چرا چون تبیین اقتصاد کلانی با عنوان اسلامی به شکلی که نه برای جامعه مفید باشد و نه برای دانشجویان جاذبه داشته باشد و نه از سوی تصمیم‌گیران اقتصادی و حتی اجرایی در کشور تقاضای مؤثری برای آن باشد، تلاشی است بیهوده و بی‌حاصل که نه تنها خوش‌بینی نسبت به نظریه اسلامی ایجاد نمی‌کند بلکه به‌عکس دارای دافعه و موجب دوری جستن دانشجویان از چنین مباحثی است و مسلماً یک دفاع منفی از نظریه اقتصاد کلان اسلامی به شمار می‌رود. اهمیت و ضرورت این بحث، لزوم ارزیابی وضعیت تدریس متون اقتصادی به‌خصوص درس اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی می‌باشد که آسیب‌شناسی شیوه‌های مطالعه و آموزش آن، می‌تواند آموزش اقتصاد اسلامی دست‌کم در این درس را تقویت و کاراتر نماید چرا که یکی از چالش‌های تدریس و پژوهش چه در سطح کلاس‌های درسی و چه مؤسسات پژوهشی در این زمینه به نوع و شیوه تدریس و ارائه مباحث کلان با رویکردی اسلامی برمی‌گردد که انتخاب راه کارآمد و جذاب برای دانشجویان می‌تواند مسیر آینده ادبیات اقتصاد اسلامی را تحت تأثیر قرار دهد. مسئله پژوهش این است که چرا میزان «اثربخشی» آموزش اقتصاد اسلامی و به‌طور خاص اقتصاد کلان اسلامی کم است؟ و چگونه می‌توان میزان آن را بهبود بخشید؟ مشکل در روش پژوهش و تدریس است؟ یا روش استنباط یا...؟ حدس اولیه و فرضیه این پژوهش این است که: نظام اقتصادی و به‌طور خاص نظریه اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی، به‌طور کافی و مؤثر تبیین نشده است؛ و در مراکز علمی-پژوهشی و تصمیم‌گیری اقتصادی، تقاضای مؤثری برای ادبیات اقتصاد کلان با

نگرشی اسلامی وجود نداشته است؛ و آموزش تطبیقی اقتصاد اسلامی به همراه انجام مطالعات آماری (برای سنجش میزان اثربخشی یعنی تغییر در رفتارها، روند متغیرها و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی سیاست‌گذاری‌ها و...) موجب افزایش اثربخشی آن می‌شود. نوشتار پیش رو در شش بخش زیر ساماندهی شده است: در بخش اول مسئله پژوهش و اهمیت آن، تبیین شده است؛ و در ادامه، پرسش اصلی، فرضیه و ساماندهی مقاله آمده است. وضعیت موجود آموزش اقتصاد کلان اسلامی در ایران و پیشینه برخی شیوه‌های آموزشی در تدریس اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی، بخش دوم مقاله را تشکیل داده است. بخش سوم، ضمن آسیب‌شناسی متن‌های اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی از فقدان رویکرد «حل مسئله» در متن‌های اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی و فقدان مطالعات آماری و تجربی در آن‌ها سخن گفته است. رویکرد جدید پیشنهادی در بخش چهارم ارائه می‌شود و بر رویکرد تطبیقی - انتقادی در آموزش اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی و دور ماندن از دام «دوگانه ناسازگار» و استفاده از جامعه آماری موجود (و نه ایده آل اسلامی) برای مطالعه کلان با رویکردی اسلامی تأکید نموده است. بخش پایانی با خلاصه و نتایج، مقاله را به سرانجام می‌رساند.

۲. وضعیت موجود آموزش اقتصاد کلان اسلامی در ایران

تا قبل از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در دهه ۱۹۹۰، اصول و دیدگاه‌های نظام اقتصاد سوسیالیستی در قالب متون و واحدهای درسی در دانشکده‌های علوم اقتصادی به‌موازات تدریس دروس اقتصادی نظام اقتصاد سرمایه‌داری تدریس می‌شد. در ایران نیز تا واپسین روزهای نظام شاهنشاهی در دانشگاه‌ها و به‌خصوص دانشکده‌های علوم سیاسی و اقتصادی، واحدهای درسی در زمینه نظام اقتصاد سوسیالیستی تدریس می‌شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز دانشجویان دانشکده‌های اقتصاد، دست کم برای مطالعه تطبیقی نظام‌های اقتصادی، ناگزیر از مطالعه اجمالی نظام اقتصاد سوسیالیستی بودند که در کتاب‌های مربوط به نظام‌های اقتصادی، این متون همچنان در دسترس می‌باشد. (برای مثال ر. ک: نمازی ۱۳۸۷)

۱-۲. پیشینه برخی شیوه‌های آموزشی در تدریس اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی در ایران و خارج از ایران، مباحث اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی از سوی علاقه‌مندان به مباحث اقتصادی در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها به تدریج مطرح شد به طوری که از سال‌های دهه ۱۳۸۰ به این طرف، کم‌کم شاهد تألیف کتاب‌هایی با عنوان اقتصاد کلان اسلامی یا به تعبیر درست‌تر اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی بوده‌ایم:

اول: رویکرد جبری از طریق به کارگیری نمادهای پرشمار خسته‌کننده که البته سعی در گنجانیدن قیدها، محدودیت‌ها و نوع روابط رفتاری توأم با الزام‌های شرعی در قالب نمادهای گوناگونی نموده‌اند که بعضاً فهم روابط جبری اقتصاد کلان متعارف را برای دانشجویان، مشکل، غامض و بعضاً رنج‌آور می‌کند؛ اما ویژگی مهمی که در این بحث برای ما حائز اهمیت است، تبیین و آموزش اقتصاد کلان کاملاً دستوری است که بریده از سیاست‌گذاری‌های کلان در سطح جامعه اسلامی است و این نیز برای دانشجویان، نوعی بی‌تفاوتی و برای این روش، دافعه ایجاد کرده است به طوری که دانشجوی درس اقتصاد کلان اسلامی، هیچ پیوندی بین این مطالب و آنچه در جامعه اطراف او می‌گذرد نمی‌یابد و این فاصله بین واقعیت‌های موجود و مباحث صرف‌نظری و دستوری در متون درسی، یکی از دلایل بی‌ارزش بودن آن‌ها در نزد دانشجو و چه بسا تصمیم‌گیران اقتصادی است که عبارت دیگری از وجود تقاضای کم از سوی آن‌ها، برای آموزش این درس می‌باشد (برای نمونه: میرمعزی ۱۳۸۴ و الزامل ۱۳۷۸).

دوم: رویکرد دیگر که گویی علاقه‌چندانی به استفاده از رویکرد ریاضی و جبری ندارد تنها به ارتباط بازارها در سطح اقتصاد کلان بسنده کرده و به نوعی دیدگاه‌های اسلامی در ماهیت بازارها و نوع هنجارهای اقتصادی حاکم بر آن‌ها در سطح کلان را مورد ملاحظه قرار داده است مثل مطالعه معبد الجارحی و یا مثل مطالعه دکتر عسکری و همکاران است که تقریباً سراغ هیچ نماد جبری برای بیان مطالب موردنظر خود نرفته‌اند البته این دو با هم تفاوت دارند چون کار دومی یعنی

دکتر عسگری و همکارانش اصلاً در ارائه مطالب کلان اسلامی، عمیق نشده و یک نگاه تطبیقی تقریباً کلی (و نه تبیین عمیق مطالب) را دنبال کرده است (برای نمونه: الجارحی ۲۰۰۴).
سوم: برخی در رویکرد خاص خود، بر الزامات ساختار توزیع داده‌های کلان و جمع‌آوری آن‌ها در جامعه اسلامی تأکید نموده‌اند و مثلاً در یکی از مقالات خود به داده‌هایی در زمینه مالیات‌هایی همچون زکات و توزیع منابع جمع‌آوری‌شده در بین گروه‌های هدف پرداخته‌اند و ارتباط بین بودجه دولت‌ها و مالیه اسلامی را دنبال کرده‌اند و از یک نوع حسابداری ملی اسلامی و به عبارتی تعدیل در حسابداری ملی، سخن گفته‌اند که گرچه یک گام مفید است اما بسیار ابتدایی به نظر می‌رسد. این نویسنده در مقاله دیگر خود با عنوان «تئوریزه کردن اقتصاد کلان، سعی در تفکیک مباحث اثباتی و دستوری داشته و نوعی روش‌شناسی یا مراحل را برای انجام پژوهش در زمینه ارائه نظریه اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی دنبال کرده است، البته این مطالعه در حدود سه دهه قبل بوده و ما اثری از ادامه آن یا تحقق متونی در زمینه اقتصاد کلان با این رویکرد تاکنون نیافته‌ایم. (برای نمونه: سعید طاهر ۱۹۹۱ و ۲۰۰۵)
ضمن ارج نهادن به تمام این پژوهشگران متعهد و تلاشگر در عرصه ادبیات اقتصاد اسلامی در یک جمع‌بندی و تحلیل آزاد و واقع‌بینانه علمی، پرسش این است که چرا این آثار و تدریس این متون، با تقاضای بسیار کمی مواجه شده است؟

۳. نقد وضعیت موجود

ادبیات اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی برای اولین بار در ایران در قالب چندین متن درسی و کمک‌درسی و مقاله، راه به دانشگاه پیدا کرده است اما چرا این متون، تأثیر چندانی در بهبود آموزش اقتصاد کلان و سیاست‌های کلان کشور نداشته‌اند؟ و چرا در بازار آموزش، تقاضای بسیار کمی برای آن وجود داشته است؟ و چرا نتوانسته است رضایت دانشجویان را به‌سوی خود جذب نماید؟

۳-۱. آسیب‌شناسی متن‌های اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی

اینجاست که باید این مسئله را آسیب‌شناسی کنیم و تا آنجا که مربوط به شیوه ارائه مطالب

اقتصاد کلان برای تدریس و یادگیری دانشجویان در کلاس درس مربوط می‌شود این مقاله به آن توجه نموده است.

طرح اقتصاد کلان به‌عنوان مجموعه‌ای از مبانی بینشی و ارزشی، نهادها و روابط بین آن‌ها که بیانگر بخشی از نظام اقتصاد دستوری با رویکردی اسلامی است، گرچه مفید است اما اثربخشی پایینی دارد. لذا در بازار آموزش، تقاضای بسیار کمی برای آن وجود دارد چرا؟ چون طرح نظام کلان دستوری، پیوند بسیار کمتری با واقعیت کلان اقتصاد جامعه امروز اسلامی دارد. چون مسلمانان و علاقه‌مندان به اقتصاد اسلامی، این دانش دستوری را به‌عنوان بخشی از علوم دینی، مقدس می‌شمرند اما اثری برای آن در صحنه عمل و هدایت اقتصادی جامعه نمی‌بینند.

چون «اقتصاد کلان شامل مجموعه‌ای است از دیدگاه‌های مختلف درباره چگونگی عملکرد، تنظیم آن در یک چارچوب منطقی یا یک مدل و ارائه‌مبنایی برای اینکه کدام سیاست اقتصادی بایستی طرح و اجرا گردد» درحالی‌که با طرح نظام دستوری، مجموعه‌ای از بایدونبایدها را مشاهده می‌کنند و نه دیدگاه‌های مختلف درباره چگونگی عملکرد، در نتیجه آن را برای عمل در واقعیت جامعه اسلامی، مناسب نمی‌بینند، در این صورت دانش اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی، در جامعه شکل نمی‌گیرد یعنی آنچه منظور بوده، رخ نداده و آنچه تاکنون به نام کلان اسلامی در ادبیات موجود اقتصاد اسلامی شکل گرفته، منظور نبوده است. چون دانش اقتصاد کلان اسلامی می‌بایست یک جایگزین مناسب برای اقتصاد کلان متعارف باشد که این چنین نیست. چه باید کرد؟ پژوهش مسئله محور اقتضا دارد که پرسیم چرا در دانشگاه‌ها و در بین دانشجویان، تقاضایی برای این دانش نوپا (البته به شکل دستوری و بی‌ارتباط با وضعیت موجود اقتصاد ایران) نیست؟ درحالی‌که مؤمن به آموزه‌های اسلامی - اقتصادی می‌باشند. چرا اقبال و استقبالی از این نظام صرف دستوری (و نه اثباتی) اقتصاد کلان در بین تصمیم‌گیران اقتصادی دیده نمی‌شود؟ درحالی‌که مؤمن به آموزه‌های اسلامی - اقتصادی می‌باشند. جالب است که نظریه‌های اقتصاد متعارف نیز برای تغییر وضعیت موجود

اقتصاد ایران، اثربخشی بسیار اندکی داشته است که در مطالعات دقیق و معتبر اقتصادی آشکار می‌باشد. علت چیست؟ چون گرچه ادبیات منسجمی در قالب نظریه‌های اقتصاد متعارف وجود دارد که در متون درسی معتبر ارائه شده است اما علیرغم ادعای جهان‌شمولی آن، در محیط و مناسبات نهادی اسلام، جواب نمی‌دهد و حتی با وضعیت اقتصاد بومی و مقتضیات فرهنگی و حقوقی ایران سازگار نمی‌باشد.

۳-۲. فقدان رویکرد «حل مسئله» در متن‌های اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی

محور اصلی که بسیاری از اقتصاددانان بزرگ اقتصاد کلان بر آن تأکید دارند کاربردی بودن اقتصاد کلان، قدرت توضیح دهنده‌گی و تبیین علت نوسانات اقتصادی از سوی اقتصاددانان است. در این زمینه اسنودن و همکاران می‌گویند: تحلیل اقتصاد کلان به دنبال تبیین علت تأثیر نوسانات کوتاه‌مدت در GDP یا سیکل‌های تجاری و عوامل تعیین‌کننده روند بلندمدت GDP یعنی رشد اقتصادی است (اسنودن، وین ۲۰۰۵) بلانچارد می‌نویسد: اقتصاد کلان یک علم دقیق و نظری خاص نیست بلکه یک علم کاربردی است که در آن ایده‌ها و نظریه‌ها و مدل‌های اقتصادی در برابر حقایق خارجی در اقتصاد ارزیابی می‌شوند و در نهایت این نظریه‌ها و ایده‌های اقتصادی یا تعدیل می‌شوند و یا رد می‌گردند (بلانچارد ۱۹۹۷) به‌علاوه، اقتصاددانان کلان برای این که از تحولات عقب‌نمانند، باید مرتباً خود را در جریان دیدگاه‌ها و مسائل جدید قرار داده، دانش خود را به‌روز کنند. (مشیری ۱۳۸۱:۳۵) گری گوری منکیو استاد اقتصاد دانشگاه هاروارد که در زمینه اقتصاد کلان کتاب‌های مفید و معتبری به رشته تحریر درآورده است پس از چند سال دست‌وپنجه نرم کردن با مسائل و چالش‌های اقتصادی در واقعیت جامعه امریکا به‌عنوان عضو مؤثر شورای مشاوران اقتصادی کاخ سفید و به دنبال استعفایش از این شورا در سال با مروری بر جریان‌ات اقتصاد کلان در یک مقاله بسیار ارزشمند و تحلیلی خود می‌پرسد: آیا اقتصاددانان کلان یا اقتصاددانان به‌طور کلی قرار است مهندس باشند یا دانشمند؟ آیا قرار است دانشمندی باشد که در کلاس درس، تنها مسائل تئوریک را تدریس کند؟ یا به‌عنوان مهندس به حل مشکلات و مسائل

اقتصادی پردازد؟ وی می‌نویسد: «خداوند، اقتصاددانان کلان را روی زمین قرار نداد تا تنها نظریه‌های دقیق را ارائه و آزمون کنند بلکه آنان را برای حل مشکلات عملی جامعه قرار داد. «(منکیو ۲:۲۰۰۶) در ادامه مقاله پس از بیان و اندیشه اقتصادی از کلاسیک و نئوکلاسیک، کینزی و بعد کلاسیک‌های جدید و بالاخره کینزی‌های جدید، سؤالاتی را مطرح می‌کند که مربوط به آموزش اقتصاد در مطالب پایانی مقاله است. او می‌نویسد: دانشجویان مانند سیاست‌گذاران، علاقه کمی به نظریه به‌خاطر نظریه دارند. در عوض آن‌ها علاقه دارند تا دریابند که چگونه دنیای واقعی کار می‌کند و چطور سیاست عمومی می‌تواند عملکرد اقتصادی را بهبود بخشد (منکیو ۱۹:۲۰۰۶). آیا پژوهشگران اقتصاد اسلامی بخصوص در سه دهه اخیر در ایران، روش‌شناسی مؤثر و کارآمدی در طرح و آموزش این دانش نداشته‌اند؟ آیا بی‌ارتباط و بی‌اطلاع از اقتصادی که هم‌اکنون در ایران جریان دارد مباحث آکادمیک در زمینه اقتصاد اسلامی، راه خود را پیموده است؟ آیا طرح و آموزش و پژوهش اقتصاد اسلامی و ازجمله اقتصاد کلان موضوع-محور بوده تا مسئله-محور؟

جامعه دانشگاهی اقتصاد، در طول چهار دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی که شاهد فشار تقاضای گسترده، کمبود شدید سرمایه‌گذاری، تورم‌های ۱۰ تا ۴۰ درصدی، کاهش بی‌سابقه ارزش پول ملی، رکود بی‌سابقه و عرضه محدود و نرخ بیکاری بالا بوده است، کدام نظریه یا چارچوب نظری سازگار با وضعیت بومی و فرهنگی ایران را برای تحلیل و حل مسئله در طرح کلان اقتصاد ایران را توصیه نموده است؟

چون علم اقتصاد اسلامی آنگاه پدید می‌آید که با روش دانش متعارف اقتصاد، واقعیت‌های زندگی مسلمانان مانند کنش، رفتار و پدیده‌های زندگی آنان تبیین و پیش‌بینی و نیز کنترل و مدیریت شوند (رفیعی آتانی ۲۲:۱۳۹۴).

همه می‌دانیم که اقتصاد کلان متعارف پس از بحران بزرگ (۳۳-۱۹۲۹) متولد شد و هنوز سنت «درس‌آموزی» از این بحران بزرگ و جلوگیری از تکرار نرخ بیکاری ۲۶ درصد و رکود شدید، در سطح نظری و تجربی و توصیه‌های سیاستی در بین اقتصاددانان ادامه دارد. به‌علاوه به‌خاطر

افزایش توانایی تحلیل مسائل اقتصاد کلان با توجه به واقعیت‌های موجود در سطح اقتصاد کلان، رویکردهای جدیدی از سوی اقتصاددانان اتخاذ می‌شود تا به حل مشکلات اقتصادی متناسب با نوع پدیده‌های جدید اقتصادی نائل شوند. برای نمونه رومر (۲۰۰۰) و تیلور (۲۰۰۴)، چارچوب جدیدی برای رویکرد تحلیلی اقتصاد کلان مطرح می‌کنند. در چارچوب پیشنهادی رومر-تیلور، به جای منحنی LM طبق قاعده تیلور، PM (سیاست پولی) و به جای عرضه کل خط IP (تعدیل تورم) قرار داده شده است؛ بنابراین، به جای رویکرد تحلیلی سنتی IS-LM-AS، رویکرد تحلیلی مدرن IS-MP-IA پیشنهاد شده است که رومر یازده مزیت برای آن برمی‌شمارد (میرجلیلی ۱۳۹۲: ۱۲۱). به نظر می‌رسد امروز نیازمند آموزش اقتصاد کلانی در ایران هستیم که بر اساس پایه‌های نظری و آماری سازگار با واقعیت‌های ایران، تدریس گردد و رویکردی «حل مسئله» و «درمانگر چالش‌های اقتصادی» داشته باشد در این صورت برای محصولات دانشگاهی، تقاضای مؤثر ایجاد خواهد شد و مشاوران اقتصادی، جایگاهی مشابه مشاوران حقوقی خواهند یافت چون می‌توانند از منافع بخش عمومی و خصوصی در عرصه اقتصاد در عمل و صحنه زندگی واقعی دفاع نمایند.

۳-۳. فقدان مطالعات آماری و تجربی در متن‌های اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی
تاریخ اقتصادی نشان داده است که همواره «چالش‌ها»، «مسئله‌ها»، «نیازها» و «رویدادهای اقتصادی»، موجب ظهور نظریه‌های جدید یا اصلاح نظریه‌های موجود شده است. در این راستا انجام مطالعات آماری مانند مطالعه آماری سایمون کوزنتس یک نمونه بارز در ادبیات اقتصادی قرن بیستم می‌باشد که موجب ارائه نظریات جدید مصرف پس از کینز شد و زمینه را برای نگاه دقیق‌تر به مصرف کلان و در نتیجه تحلیل‌های اقتصادی فراهم نمود. بنابراین فقدان مطالعات آماری و تجربی در ادبیات اقتصادی اسلام از این زاویه بیشتر احساس می‌شود چه در این صورت، موجب پویایی، اصلاح و حتی ارائه نظریه‌های جدید اقتصادی با رویکردی اسلامی می‌شود. انجام این رویکرد مطالعاتی راز تقاضای اندک برای اقتصاد اسلامی را آشکار می‌کند. در این رابطه، رویکرد انزوایی رویکردی است که قائلین به آن از

یک سو معتقد به استقلال کامل ادبیات اقتصاد اسلامی از اقتصاد متعارف هستند و از نگاه آن‌ها، اقتصاد متعارف نمی‌تواند هیچ گونه دلالت مفید فایده‌ای برای اقتصاد اسلامی داشته باشد. از سوی دیگر این تفکر قائل به ضرورت برخورداری از اقتصاد اسلامی از یک مبنای فکری مستقل از مبنای فکری اقتصاد متعارف است و در حوزه معرفت‌شناسی از موضع مستقلی برخوردار است که یک نقطه قوت به شمار می‌رود اما نقطه ضعف این رویکرد در ارتباط با عینیت‌های خارجی مشخص می‌شود چرا چون روشی برای رسیدن به نتایج اقتصادی ندارد و با موضوعات و عینیت‌های خارجی اقتصادی هم رابطه برقرار نمی‌کند به عبارتی این تفکر همواره در سطوحی از انتزاع در درون مبانی دور می‌خورد و هیچ وقت به عینیات خارجی برگشت ندارد به تعبیر دیگر از انتزاع آغاز شده و به انتزاع ختم می‌شود و چون روشی برای حرکت از مبنا تا عینیت ندارد عملاً نسبت به مسائل اقتصادی و وقایع پیرامونی منزوی شده و نمی‌تواند با مسائلی چون فقر، تورم، بیکاری و ... رابطه برقرار کند (زریباف و زندی ۱۳۹۵:۳۵). نتیجه آنکه در ادبیات اقتصاد کلان متعارف که عمدتاً با کار بزرگ جان مینارد کینز در سال ۱۹۳۶ شروع شد تاکنون آثار آموزشی- پژوهشی‌ای موفق بودند که نگاه «حل مسئله» داشته‌اند و در کنار ارائه پایه‌های نظری اقتصاد کلان با ارائه راهبردهای مشخص و در پی حل مسئله‌ای در سطح اقتصاد کلان جامعه خویش برآمده‌اند اما آثار آموزشی- پژوهشی اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی یا فقط به ارائه بخش دستوری و تجویزی آن هم در جامعه اسلامی مفروض (و نه موجود و در حال گذار به جامعه مطلوب اسلامی) پرداختند و یا اگر از ارائه راهبرد و راه حل در کنار طرح مباحث نظری و مبنایی اسلامی دریغ ننموده‌اند به جامعه آرمانی اسلامی نظر داشتند که «باید باشد» یعنی این راهبردها برای جامعه در حال گذار اسلامی، لزوماً راه حل مشکل و مسئله تلقی نمی‌شوند. نوآوری این پژوهش، طرح و ارائه رویکرد «حل مسئله» در محیط جامعه کنونی ماست که در حال گذار به جامعه مطلوب اسلامی است. جامعه‌ای که در حال شدن و رسیدن به جامعه اسلامی خالص بوده و برای

رسیدن به آن، رویکرد تطبیقی- انتقادی همراه با مطالعات تجربی و آماری، در شرایط جامعه گذار، یک ضرورت آموزشی است.

۴. رویکرد جدید پیشنهادی

به نظر می‌رسد، مطالعه و آموزش تطبیقی-انتقادی اقتصاد اسلامی به همراه انجام مطالعات آماری (برای سنجش میزان اثربخشی یعنی تغییر در رفتارها، روند متغیرها و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی سیاست‌گذاری‌ها و...) موجب افزایش اثربخشی آن می‌شود. اگر مطالعه و آموزش اقتصاد اسلامی به‌طور عام و اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی به‌طور خاص، بدون ارائه تحلیل‌های نظری و تجربی (تحلیل آماری) با هدف تغییر وضعیت موجود اقتصاد کشور به‌سوی وضعیت مطلوب و تعالی و اثربخشی آن، مورد پژوهش قرار گیرد و یافته‌های صرف‌نظری در قالب متون درسی تدریس شود- گرچه یک گام بایسته پژوهشی در عرصه دین به شمار می‌رود- اما فاقد کارآمدی بوده و تقاضایی برای آن نخواهد بود. تقاضایی که تعیین‌کننده ارزش بازاری این کالای دانشی و دینی است. از سوی دیگر، رشد و تکامل اقتصاد کلان در گرو بررسی و تحلیل نظریه‌ها و سیاست‌های کلان اقتصادی در عمل است؛ یعنی تکامل تدریجی دانش اقتصاد کلان، بر اساس تأیید و ردهایی است که خاستگاه آماری و شواهد عملکرد اقتصاد در جامعه موردنظر دارند. یک دلیل بیگانگی دانشجویان و تصمیم‌سازان اقتصادی با متون اقتصاد کلان دستوری، فقدان ادبیات و شواهدی تجربی است که بتواند تأییدی بر موفقیت و کارآمدی نظریه‌ها، سیاست‌ها و راهکارهای اقتصادی مبتنی بر نظام کلان دستوری باشد و این‌همه نشان می‌دهد که مطالعه تطبیقی اقتصاد کلان اثباتی موجود، زمینه استفاده از روند آماری اقتصاد و واکنش جامعه اقتصادی نسبت به دیدگاه‌ها و سیاست‌های اقتصادی با رویکردی اسلامی را فراهم می‌کند و ضمن پیوند با واقعیت اقتصادی جامعه و استفاده از تجربیات دانش اقتصادی در کشورهای مختلف و مکاتب اقتصادی گوناگون، بر اساس اصول موضوعه عام و خاص اسلامی به الگوی ایدئال کلان دستوری نزدیک‌تر می‌شود.

۴-۱. دور ماندن از دام «دوگانه ناسازگار»

ادبیات اقتصاد کلان متعارف در دهه‌های اخیر رشد کیفی و کمی خوبی داشته است. دانشگاه‌های ایران (دانشکده‌های اقتصاد) به فراخور خود، از این ادبیات در قالب متون اصلی و ترجمه‌ای بهره برده‌اند. ادبیات اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی نیز برای اولین بار در ایران در دهه اخیر در قالب چندین متن درسی و کمک‌درسی و مقاله، راه به دانشگاه پیدا کرده‌اند اما چرا این متون، تأثیر چندانی در بهبود آموزش و سیاست‌های اجرایی کلان کشور نداشته‌اند؟ یکی از دلایل ناکارآمدی این دو دسته از متون در کشور ما، افتادن در دام «دوگانه ناسازگار» آموزشی و پژوهشی است؛ یعنی مطالعه و آموزش اقتصاد کلان متعارف در فضا و محیطی بومی و فرهنگی ناسازگار با فروض و یافته‌های آن (دوگان اول) و مطالعه و آموزش اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی در چارچوب و اصول موضوعه و روش و رویکرد اقتصاد کلان متعارف. (دوگان دوم) به نظر می‌رسد اقتصاد متعارف، در چنین دوگانی رشد نکرده است. اقتصاد کشورهای آسیای جنوب شرقی (بره‌های آسیا) نیز در چنین دامی گرفتار نیامده است؛ یعنی بره‌های اقتصادی آسیا در دام اقتصاد متعارف اسیر نشده‌اند بلکه نقاط قوت اقتصاد غرب را گرفته اما در سرزمین و مناسبات بومی و نهادهای فرهنگ آسیایی و دیرینه خود، نهادها و ساختارهای اجتماعی و اقتصادی سازگار با توسعه پایدار را بنیان نهاده‌اند لذا متون آموزشی و پژوهشی آن‌ها برخاسته از مناسبات نهادی خودی است که بوی فرهنگ و خلاقیت و تکنولوژی آسیایی را می‌دهد. لذا آن‌ها مجبور نیستند از مطالعات آماری تماماً تحقیق‌یافته در اروپا و آمریکا در تدریس و پژوهش و تحلیل اقتصادی، استفاده کنند بلکه برای اصلاح نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصادی خود به آمار عملکردی در کشور خودشان تکیه می‌کنند؛ اما ما چگونه در دام «دوگانه ناسازگار» گرفتار آمده‌ایم؟

ما اقتصاد اسلامی را به چه هدفی مطالعه کرده و آموزش می‌دهیم؟ برای تغییر وضعیت موجود به سوی وضعیت مطلوب اسلامی، به میزانی که مطالعه و پژوهش و آموزش اقتصاد اسلامی در این راستا توفیق داشته باشد، اثربخشی خواهد داشت.

۴-۲. رویکرد تطبیقی - انتقادی در آموزش اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی

امروز راز ماندگاری جریان اقتصاد نهادی و تقاضا برای آن در بین قشر فرهیخته دانشگاهی و دانشجویان علوم اقتصادی، قوت استدلال، واقعیت‌گرایی، قدرت توضیح‌دهندگی و رویدادهای اقتصادی و تکیه بر نهادها در سایه شناخت بهتر انسان و کنش‌های او در محیط اقتصادی و واکنش نسبت به رخدادهای اقتصادی در جامعه امروز می‌باشد. نه تنها نظریه اقتصاد اسلامی بلکه تمام جریان‌های دانشی هترو دوکس در پرتو مطالعه تطبیقی و انتقادی می‌توانند ضمن بیان نقاط ضعف و قوت نظریه رقیب و نظریه پیشنهادی، به طرح ایده و دفاع از کلیت نظریه خود پردازند. مطالعه تطبیقی تنها کنار هم آوردن وجوه اشتراک و تفاوت دو یا چند نظریه نیست بلکه میدان نمایش کاستی‌ها، ضعف‌ها و اشتباهات آن‌ها بر اساس سنجه درست منطقی و علمی است که در این رهگذر نظریه اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی می‌تواند به اثبات و تأیید خود پردازد و ماندگار شود.

آیا جریان فکری اقتصاد اسلامی چنین حضوری در اندیشه و عمل اقتصادی در بین جوامع اسلامی داشته است؟

به نظر می‌رسد با حضور در میدان رقابت «مطالعه تطبیقی»، اقتصاد اسلامی با شناخت کاستی‌های روشی، الگوسازی، واقعیت‌گرایی و نگاه مسئله محوری و حل چالش‌های اقتصادی جامعه اسلامی معاصر و تقویت بال‌های اندیشه‌ای خود، به درخت تنومند و استواری در ساحت اندیشه و دانش اقتصادی تبدیل می‌شود که می‌تواند ماندگارتر از گذشته با تقاضای دانشیان اقتصاد مواجه گردد. پس ادبیات اقتصاد اسلامی نیازمند بهره‌گیری بیشتر از مزایای رویکرد مطالعه تطبیقی است.

به نظر می‌رسد امروز نیازمند آموزش اقتصاد کلانی در ایران هستیم که بر اساس پایه‌های نظری و آماری سازگار با واقعیت‌های ایران، تدریس گردد و رویکردی «حل مسئله» و «درمانگر چالش‌های اقتصادی» داشته باشد. در این صورت برای محصولات دانشگاهی، تقاضای مؤثر ایجاد خواهد شد و مشاوران اقتصادی، جایگاهی مشابه مشاوران حقوقی

خواهند یافت. چون می‌توانند از منافع بخش عمومی و خصوصی در عرصه اقتصاد در عمل و صحنه زندگی واقعی دفاع نمایند.

پس گرچه طرح و تبیین نظام‌های اقتصادی دستوری (البته بر اساس اجتهاد پویا، توجه به عنصر زمان و مکان و موضوع شناسی اطمینان آور) لازم است اما طرح اقتصاد اثباتی با رویکردی تطبیقی است که دست‌کم پژوهشگر اقتصاد اسلامی را ناگزیر از موضع‌گیری و تأیید یا رد و یا تغییر واقعیت موجود به‌سوی وضعیت مطلوب اسلامی می‌نماید و البته نظام اقتصادی اثباتی موجود و در حال گذار، تنها گزینه موردبررسی موجود و در دسترس می‌باشد. لذا طرح اندیشه‌های اقتصادی با رویکردی اسلامی به شکل تطبیقی در شرایط کنونی به دلایل زیر کارایی بیشتری دارد:

- اول: ادبیات مدونی برای آموزش نظام اقتصادی اسلام وجود ندارد.
- دوم: متون کارآمدی که منعکس‌کننده اندیشه‌های اقتصادی با رویکردی اسلامی باشد برای درس اقتصاد خرد و اقتصاد کلان وجود ندارد.
- سوم: دانشجویان این رشته به‌خاطر ادامه تحصیل و پژوهش در مقطع بالاتر و حضور در بازار کار باید واحدهای درسی اقتصاد خرد و اقتصاد کلان دوره کارشناسی ارشد اقتصاد را بگذرانند و این مهم از رهگذر رویکرد تطبیقی میسر است.

۴-۳. بازگشت به خویش در اقتصاد و دانش اقتصادی

راستی چرا آسیا و آفریقا، ناگزیر باشند تا اقتصاد برخاسته در اروپا و امریکا را فرا گیرند و عمل کنند؟

چرا خود و سرنوشت خویش را در اقتصاد، به کلاسیک سنتی، کنیزی، کلاسیک جدید، کنیزی جدید و... بدهیم؟

چرا در سرزمین و جایگاه تمدنی کهن خود، رویکرد و مکتب اقتصادی خودی نداشته باشیم؟ مثلاً مکتب «اقتصاد تمدنی عرضه محور»، مکتب «اقتصاد تمدنی تولید محور» و مانند آن. مگر این رویکردها بخصوص «نظریه‌های رشد اقتصادی»، از حقایق آشکارشده اروپا و امریکا به

دست نیامده است؟ پس ما هم به‌طور نظام‌مند به حقایق آشکارشده اقتصاد خود مراجعه کنیم و با تصحیح روند آن‌ها به حل مشکلات بومی نائل آییم.

در زمینه استفاده از دانش اقتصاد کلان موجود که در مجموعه‌ای از مکاتب ارتدوکس و هترودوکس پراکنده شده است، گاهی برخی دیدگاه‌ها با دیدگاه اسلام (برداشت اقتصادی با رویکردی اسلامی) نزدیک و حتی همپوشانی دارد. برای نمونه برخی دیدگاه‌ها و نظریات نهادگرایی سنتی و جدید در زمینه انگیزه‌ها، اهداف و هنجارهای اقتصادی با آموزه‌های اقتصادی-اسلامی در متون اسلامی، بعضاً قرابت و سازگاری دارد که باید مورد استفاده قرار گیرد. همان‌طور که در سده‌های اول هجری، مسلمانان در نهضت ترجمه فلسفه و بلکه علوم یونان باستان، چنین بهتر گزینی دانشی را بر اساس اصول موضوعه اندیشه اسلامی انجام دادند و بعدها به پرورش فلسفه اسلامی پس از ترجمه فلسفه یونان قدیم همت گماردند.

۴-۴. چالش جامعه آماری برای آزمون تجربی الگوها و سیاست‌های اقتصاد کلان با

رویکردی اسلامی

ممکن است برخی بگویند بحث از الگو برای جامعه اسلامی ایدئال، بحثی صددرصد اسلامی بوده و نمی‌تواند برای جامعه اسلامی کنونی (که هنوز نمی‌توان گفت کاملاً اسلامی است) قابل قبول و قابل تجربه باشد در نتیجه نتایج تجربی آن نیز معتبر نیست؛ اما به نظر می‌رسد پس از تأمل، رویکرد دیگری را مناسب بیایم چون طرح مسائل اقتصادی در چارچوب الگوی اسلامی و ناظر به جامعه اسلامی موجود به‌عنوان برشی و سطحی از جامعه اسلامی ایدئال، موجب می‌شود که تقاضای مؤثری در مجامع علمی و دانشگاهی و مراکز تصمیم‌گیری برای ادبیاتی شکل بگیرد که می‌تواند با تکیه بر آموزه‌های اسلامی به راه‌حل‌های عملی برای حل معضلات اقتصادی جامعه اسلامی امروز برسد؛ و در طول زمان و به تدریج در فرایندی تکاملی، زمینه برای اصلاح و رفع کاستی‌های الگوهای گذار برای رسیدن به الگوی ایدئال فراهم می‌شود و این اقبال و پژوهش بیشتر، پس از تقاضا و احساس نیاز کردن به این الگوها از سوی دانشجویان، پژوهشگران و سیاست‌گزاران اقتصادی می‌باشد. طرح الگو به شکل ذهنی و تجربیدی برای آرمان‌شهر اسلامی،

موجب می‌شود که جامعه امروز را با تمام مشکلات اقتصادی‌اش، غیراسلامی تلقی کرده، ضمن فرار از حل آن‌ها به کلیاتی روی آور شویم که مفیدبودن و تحقق آن‌ها را به آینده موکول کرده‌ایم؛ اما طرح الگو با توجه به وضعیت جامعه و تمدن اسلامی موجود، ضمن حل مشکل امروزمان، زمینه اصلاح جامعه موجود را به‌سوی جامعه مطلوب و ایدئال اسلامی فراهم می‌کند که این اندیشه یعنی اصلاح جامعه برای ظهور مصلح و منجی بشریت (امام عصر عج) ریشه در اعتقادات ما دارد.

۴-۵. استفاده از جامعه آماری موجود (و نه ایده‌ئال اسلامی) برای مطالعه کلان با

رویکردی اسلامی

به‌علاوه با این الگوهای تجربیدی (هرچند درست می‌باشند) گویی، بازار سرمایه، پول، کالا و خدمات و نیروی کار در جامعه موجود را سکولار، سرمایه‌داری و یا غیراسلامی می‌دانیم. درحالی‌که برعکس، تمام این بازارها اسلامی می‌باشند اما با اصلاح و رفع نواقص و ضعف و کاستی و احیاناً برخی تورش‌ها و دور بودن از اصول موضوعه اسلامی، الگوهای کامل اسلامی، یا کاملاً اسلامی خواهند شد و یا به جامعه ایدئال اسلامی نزدیک‌تر می‌شوند.

آیا بازار سرمایه و نظام مالی در جامعه امروز ایران، غیراسلامی است؟ مسلماً اسلامی است اما در مواردی، رفتارهای غیراسلامی در آن خودنمایی می‌کند. آیا بازار تهران، قم، اصفهان، شیراز و مشهد و تبریز غیراسلامی است؟ مسلماً اسلامی است اما هرگز ایدئال نیست و باید آن‌ها را با آموزش، ایجاد ساختار و نهادهای اسلامی بازار، به بازار اسلامی ایدئال نزدیک‌تر کرد؛ و این هدف با رهاسازی بخش‌ها و بازارهای ایران اسلامی موجود و طرح الگوهای ذهنی محقق می‌شود یا پرداختن به این بازارها و اصلاح آن‌ها از طریق الگوهایی است که به‌تدریج به الگوهای ایدئال نزدیک می‌شوند؟ الگوهایی که به شواهد آماری وضعیت موجود تکیه دارد تا پس از تحلیل کافی، از میزان تورش فضای اقتصادی آن‌ها با فضای اقتصادی اسلامی کاسته شود و به‌تدریج تکمیل گردند. در وضعیت کنونی ایران و در بخش مالی، چه در زمینه بانکداری بدون ربا و چه بازار سرمایه از صورت‌های مالی و ترازنامه‌های بانکی استفاده می‌کنیم درحالی‌که رفتارهای مردم کنونی ایران و مشتریان بورس و بانک‌ها

لزوماً رفتاری اسلامی نیست اما به‌عنوان اقتصادی اسلامی در پژوهش‌های اسلامی و تحلیل بازار سرمایه اسلامی و بانکداری بدون ربا مورد استفاده قرار می‌گیرند خوب همین استناد آماری چرا در زمینه متغیرهای کلان اقتصاد مانند بیکاری، اشتغال، تورم و ... نباشد؟

منظور از جامعه اسلامی، کشوری مانند ایران می‌باشد که هدف مردم و مسئولان آن بنا به فرض، حاکمیت کامل اسلام در تمام بخش‌ها است و غالباً مردم این جامعه، رفتاری اسلامی دارند گرچه در مواردی خالص نبوده و با اصول و ارزش‌های مکتبی و اخلاقی اسلام تورش دارد. قوانین و نهادهای اسلامی در مجلسی اسلامی تقنین و اسلامیت آن هم توسط شورای نگهبان قانون اساسی تضمین شده است. جامعه موردنظر، جامعه‌ای در حال گذار به جامعه ایدئال اسلامی است. یک دلالت مهم‌چنین تعریفی از جامعه اسلامی، امکان استناد و آمارهای موجود در جامعه و بازار اسلامی موجود به‌خصوص در کشورهایی است که در ادامه فرهنگ و تمدن اسلامی ۱۵۰۰ ساله، با عنوان کشور اسلامی به حیات اجتماعی و اقتصادی خود ادامه می‌دهند و تنها آن بخش از رفتار و نهادهای اقتصادی مغایر با جهان‌بینی اسلامی، قابل استناد نمی‌باشد. بدیهی است علم اقتصاد کلان به‌دست آمده از چنین جامعه‌ای:

- اول: به تدریج در حال تکامل به‌سوی علم برخاسته از جامعه اسلامی ایدئال است.
- دوم: می‌تواند مشکل‌گشای مسائل اقتصادی کنونی جامعه باشد که وظیفه اصلی اقتصاد کلان می‌باشد.
- سوم: این علم اسلامی و بومی، بستر مطالعات اقتصادی و آماری پژوهشگران مسلمان در عرصه اقتصاد می‌باشد. چهارم: می‌تواند ناقصی‌های بازارهای کنونی را به شکل واقع‌بینانه نمایان سازد.

تفاوت اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی با اقتصاد متعارف که عمدتاً در چارچوب نظام اقتصاد سرمایه‌داری است، این است که آن‌ها بر حقایق آشکار شده تکیه کرده و به سیاست خاصی می‌رسند اما رویکرد اسلامی، ضمن بهره گرفتن از روندهای آماری و حقایق آشکار شده، آن‌ها را با لحاظ اصول موضوعه اسلامی و نهادهای دینی و بومی می‌پذیرد. مطالعه و بررسی

وضعیت دانش اقتصادی در قرون اولیه اسلامی نشان می‌دهد که دانشمندان و فقیهان آن روزگار منتظر تحقق جامعه اسلامی خالص نمانده‌اند و برای حل مسائل اقتصادی جامعه خود از داده‌های همان جامعه استفاده کرده‌اند و با اصول موضوعه اسلامی، برای جامعه موجود عصر خویش به تجویز سیاست‌ها و راهکارهای اقتصادی پرداختند. برای مثال ابویوسف (۱۱۳ - ۱۸۲ قمری)، قبل از آنکه نظرش را به مسئولان قیمت‌گذاری حکومت ارائه دهد به بررسی علل افزایش قیمت‌ها در روزگار خود پرداخت. غزالی (۴۵۱-۵۰۵ قمری) به تشریح مسائل موجود در معاملات تهاتری قبل از تبیین منافع ناشی از استفاده از پول و توصیف عملکرد اصلی آن پرداخت. همچنین در قرون هفتم و هشتم هجری که اجتهاد در اقتصاد اسلامی به اوج خود رسید، دانشمندان برجسته‌ای مانند عبدالرحمان ابن خلدون (۱۳۳۲-۱۴۶۶) و تقی‌الدین مقریزی (۱۳۶۴-۱۴۱۶ میلادی)، پدیده‌های اقتصادی را درون بستر اجتماعی و تاریخی آن روزگار بررسی و تفسیر نمودند. ابن خلدون، اصول و قوانینی را در اختیار گذاشت که توضیح‌دهنده چگونگی تغییر ماهیت مسائل اقتصادی در طول مراحل مختلف تمدن بشری بود. مقریزی تفسیر خود از تورم عنان گسیخته مصر را در آن روزگار با تکیه بر شواهد تاریخی و جاری در جامعه خود ارائه نمود. (یسری احمد ۲۰۰۲:۲۲) حال چرا ما از این تجربه گران‌قدر در تاریخ اسلامی بهره‌نجوییم و اقتصاد اسلامی را بی‌توجه به مشکلات اقتصادی جامعه اسلامی آموزش دهیم؟

۴-۶. شبهه منفی بودن طرح اقتصاد اسلامی در حاشیه اقتصاد متعارف

این شبهه وقتی قابل قبول است که ذهن پژوهشگر، متأثر از ارزش‌های غیراسلامی باشد؛ یعنی اولاً به مبانی دینی اسلام به‌طور عام و اصول موضوعه علم اقتصاد با رویکردی اسلامی به‌طور خاص آشنا نباشد و در عمل نیز از اصول موضوعه و پارادایم‌های حاکم بر اقتصاد متعارف تأثیر بپذیرد. علاوه بر این دو نکته، ناگزیر از مطالعه و بلکه تسلط بر اقتصاد متعارف برای بنیان‌گذاری کلان اسلامی خواهیم بود یعنی نه تنها این آشنایی به معنای تأثیرپذیری مذموم نیست بلکه بدون این آشنایی و آن‌هم در حد تسلط کافی، امکان تبیین رویکرد اسلامی وجود

ندارد. دلیل این مطلب این است که پژوهشگر غیر آشنا به اقتصاد، هرگز در تبیین اقتصاد با رویکردی اسلامی موفق نیست و گذشته هم این را ثابت کرده است. حتی کسانی که دانش آموخته اقتصاد بوده ولی تسلط کافی به آن ندارند در این زمینه توفیق چندانی نداشته‌اند. قاعده و اصل عقلایی این مبنا، لزوم آشنایی با علم امروز و تحولات آن برای ارائه و تولید و تأسیس اصول اسلامی برای آن علم است و این کبرای کلی و عقلایی برای تمام علوم اجتماعی جاری است. علاوه بر این بر مبنای تعریف حداکثری علم دینی به مفهوم وسیع (ر. ک: رجبی ۱۳۹۷)، بخشی از یافته‌ها و اصول و نظریات علوم امروزی که برای عالم به این علم، علم آور یا اطمینان آور باشد، در قلمرو علوم دینی یا اسلامی قرار می‌گیرد و عدم آشنایی با آن به منزله محروم کردن خود از بخشی از علوم اسلامی است. همچنین، اسلامی کردن علوم، به معنای شروع از صفر و بی‌توجهی به تاریخ علم خاص نیست.

۴-۷. استفاده از مطالعه آماری برای ارزیابی سیاست‌های دستوری با رویکردی اسلامی
یک دلیل بیگانگی دانشجویان و تصمیم سازان اقتصادی با متون اقتصاد کلان دستوری، فقدان ادبیات و شواهدی تجربی است که بتواند تأییدی بر موفقیت و کارآمدی نظریه‌ها، سیاست‌ها و راهکارهای اقتصادی مبتنی بر نظام کلان دستوری اسلامی باشد و این همه نشان می‌دهد که مطالعه تطبیقی اقتصاد کلان اثباتی موجود، زمینه استفاده از روند آماری اقتصاد و واکنش جامعه اقتصادی نسبت به دیدگاه‌ها و سیاست‌های اقتصادی با رویکردی اسلامی را فراهم می‌کند و ضمن پیوند با واقعیت اقتصادی جامعه و استفاده از تجربیات دانش اقتصادی در کشورهای مختلف و مکاتب اقتصادی گوناگون، بر اساس اصول موضوعه عام و خاص اسلامی به الگوی ایدئال کلان دستوری نزدیک‌تر می‌شود. ضرورت مطالعه تجربی و آماری و به عبارتی توجه به «واقعیت‌های اقتصادی» این است که در چارچوب نظریه‌های اقتصادی که در پی ساده‌سازی پیچیدگی‌های جهان واقع هستند، بسیاری از ابعاد و پیچیدگی‌های واقعی نادیده انگاشته می‌شود لذا در مطالعات آماری، می‌توان به‌نوعی اثر متغیرهایی را دید که در نظریه، دیده نشده‌اند (ر. ک: خدیوی رفوگر ۱۳۹۲).

یکی از اصول مهم در تدریس اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی، توجه به مطالعات آماری (ناگزیر از کشور ایران و سایر کشورهای اسلامی) است. (روشی که برای تصحیح نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصاد کلان سرمایه‌داری، متون اصلی اقتصاد کلان، روی اقتصاد آمریکا انجام می‌دهند و روندهای آماری را دلیل موفقیت یا شکست نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصادی می‌گیرند)؛ که مدل‌ها و نظریه‌ها را از حالت انتزاعی خارج می‌کند و جنبه‌های غیرعملی آن‌ها را می‌نمایاند و به راه‌حل‌های واقعی‌تر برای حل مشکلات اقتصاد کلان منجر می‌شود و جنبه موضوع شناسی اقتصاد کلان را تقویت می‌کند، مشکل یا کاستی‌ای که معمولاً نظریه‌های محض و غیرکاربردی را تهدید می‌کند. آیا اگر اقتصاد اسلامی از محدود شدن در طرح مبانی و اهداف کلی، فاصله گرفته و به هدایت‌های عملی در جامعه اسلامی دست بزند، به‌طوری که بازخورد توصیه‌های دستوری و نظری با آمار و ارقام تجزیه و تحلیل شود و اثربخشی (مقایسه عملکرد با اهداف اعلام‌شده و میزان تحقق اهداف) نظام دستوری و راهبردهای اقتصاد اسلامی، موردسنجش قرار گیرد، بر رشد و بالندگی آن افزوده نمی‌شود؟ و فاصله‌اش از عالم محض نظری با واقعیت‌های اقتصادی جامعه اسلامی کمتر نمی‌شود؟ به چند دلیل، الگوی نظری و عملی اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی، به‌جای جامعه آرمانی و مدینه فاضله اسلامی باید برای جامعه عادی و در حال گذار به‌سوی جامعه آرمانی اسلام باشد:

۱. همه افراد جامعه، خلق و خو و رفتار و کردار اقتصادی و اخلاقی پیامبر (ص) علی بن ابیطالب (ع) فاطمه زهرا (س)، سلمان، ابوذر و اویس قرنی را ندارند حتی اگر دارای تربیت اسلامی بالا باشند.

۲. الگوی اسلامی برای حالت‌های حدی نیست؛ یعنی انسان‌های ایثارگر که راه‌حل‌های گوشه‌ای را بر اساس ارزش‌های خود انتخاب می‌کنند، مبنای الگوی اقتصادی قرار نمی‌گیرند بخصوص که آزمون رفتار آنان هم بسیار دشوار است.

۳. طراحی، تدوین و تبیین الگوهای رفتاری - اقتصادی برای انسان‌های عادی است که چه‌بسا در کنار انسان‌هایی که رفتار غیرقرآنی دارند یا دچار ناهنجاری‌های اقتصادی هستند، زندگی می‌کنند.

۴. تبیین رفتارهای انسان‌های عالی و نمونه اعلی، تنها نوعی معرفی سرمشق‌های انسانی و

اسلامی است که برای مقایسه وضعیت موجود با وضعیت مطلوب و تحلیل‌های اقتصادی مفید است اما مبنای الگوها، انسان‌های متعارف و معمولی است که در جامعه اسلامی، فرض بر این است که دست کم، نصف آن‌ها دارای تربیت و انگیزه اسلامی هستند.

۵. در جامعه متعارف اسلامی (هم‌چنان که در جامعه صدر اسلام نیز این چنین بوده) افرادی با رفتارهای غیراسلامی وجود دارند که به دنبال منافع شخصی هستند یا نسبت به ارزش‌های دینی بی‌اعتقاد بوده و خود را متعهد به انجام و رعایت آن‌ها نمی‌دانند؛ بنابراین الگوها برای چنین انسان‌هایی نیز طراحی می‌شوند تا آن‌ها را به سوی جامعه آرمانی اسلام هدایت کنند؛ یعنی این الگوها باید برای جامعه‌ای که در حال گذار از وضعیت موجود غیرمطلوب به سوی جامعه توسعه‌یافته اسلامی است، مفید، عملی و قابل اجرا باشند.

۶. به این دلیل که قبول نداریم تأمین منافع فردی منجر به منافع جامعه می‌شود، حتماً وجود دولت اسلامی در بعد نظارت و حاکمیتی و تصدی‌گری در تولید کالاهای عمومی، در این الگوی کلان اسلامی توجیه دارد و دارای مبنای نظری-دینی است که متناسب با این قلمرو و وظایف و بر اساس این مبانی، باید در الگو تعریف شود و لینک‌های آن با سایر بخش‌های اقتصاد ملاحظه شود.

اقتصاد اسلامی (و شاخه‌های آن همچون اقتصاد خرد، اقتصاد کلان، اقتصاد بخش عمومی، اقتصاد منابع و محیط‌زیست و...) باید بتواند برای وضعیت موجود اقتصاد در کشورهای اسلامی و بلکه با توجه به جهان‌شمول بودن راهبردها و راهکارهای آن، برای جامعه جهانی، نظریه‌های متناسب و سازگاری ارائه دهد. برای نمونه، برخی مدل‌های نظری اقتصاد کلان، پس از بیان فروض اولیه مدل و اهداف و مبانی نظام دستوری اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی، از مدل‌کنیزی و تحلیل‌های مبتنی بر آن، به عنوان مدل اولیه یاد می‌کنند و فاصله خود را با واقعیت و رویکرد حل مسئله کلان جامعه اسلامی همچنان حفظ می‌کنند که به همین نسبت از کارایی لازم دور بوده و تقاضای مؤثری برای چنین ادبیات اقتصادی وجود ندارد. توضیح مسئله این است که در چند دهه اخیر، جمهوری اسلامی ایران از مشکل کمبود عرضه و فشار تقاضا و وضعیت تورم رکودی یا رکود تورمی رنج می‌برد. ولی ما در بالاترین

تلاش‌های علمی و مدل‌سازی نظری، همچنان بر ادبیات کنیزی متعارف اصرار داریم. یا قانون اساسی ما که به همت عزیزانی در حدود چهار دهه پیش تنظیم و تصویب گردید، در بخش اقتصادی نیازمند متمم بوده که تا اندازه‌ای با ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ از سوی رهبری ترمیم شد. ولی نظریه دولت در نزد تصویب‌کنندگان و خبرگان ملت در سال ۱۳۵۸ و اختیارات گسترده دولت در عرصه اقتصاد که در سال‌های اخیر با چالش جدی مواجه شده است، بیانگر نظریه جدیدی نسبت به وظایف و گستره دولت در اقتصاد می‌باشد. این در حالی است که در اقتصاد متعارف از نقش حداقلی دولت به نقش متعادل و هدفمندی رسیده‌اند که جای بخش خصوصی را اشغال نکرده ولی نقش فعالی در اقتصاد کشورهای پیشرفته ایفا می‌کند و یا می‌گوییم در صدر اسلام، اگر برخی سال‌ها در جامعه اسلامی تورم بوده، هرگز منشأ پولی نداشته و علتش خشک‌سال، قحطی و جنگ آن‌هم به شکلی موقتی بوده است. ولی در عصر حاضر که نه تنها پول اعتباری بلکه پول دیجیتال و بیت‌کوین و مانند آن را در مبادلات جهانی شاهدیم و تورم منشأ پولی هم دارد چه نظریه و راهبردی از سوی اقتصاد اسلامی قابل‌ارائه است؟

برای بیکاری و اشتغال کدام مدل و منحنی توصیه می‌شود؟ آیا منحنی فلیپس کنیزی، پول‌گرا، کلاسیک، کنیزی جدید و... کدام‌یک با آموزه‌های دینی و اسلامی سازگار است؟ برای مالیات و نرخ آستانه مالیات ستانی چطور؟ مبادلات بین‌الملل و تعامل جامعه اسلامی با سایر کشورها چگونه است؟

به نظر می‌رسد آن‌طور که «اقتصاد اسلامی» در برخی کشورهای اروپایی با نام «تأمین مالی اسلامی» مشهور شده و به مشکل‌گشایی حتی در جامعه غیراسلامی پرداخته، همین‌طور نیازمند رشدی متوازن در سایر بخش‌ها از جمله اقتصاد کلان و اقتصاد بخش عمومی و مانند آن می‌باشد. تا در رؤیایی با رویدادهای اقتصادی همچون بحران مالی ۲۰۰۸، عیار خود را نشان دهد و ادبیات اقتصاد اسلامی کم‌کم تصحیح و تثبیت شود و ضمن مواجه شدن با تقاضای مؤثر، به نظریه‌ای پایدار و ماندگار در ادبیات اقتصادی موجود تبدیل گردد.

۸-۴. رویکرد مبتنی بر شواهد در آموزش اقتصاد کلان متعارف

یکی از جدیدترین مقالات در زمینه آموزش اقتصاد کلان، به رویکرد داشبورد^۱ FRED اشاره کرده، روشی که به در آموزش و تدریس اقتصاد کلان به استاد و دانشجویان کمک می‌کند تا از نمودارها و داده‌های کلان در کلاس درس از طریق داده‌های اقتصادی فدرال رزرو کمک بگیرند تا برای دانشجویان جذبه بیشتری داشته باشد و فهم اقتصاد کلان را آسان‌تر و کارآمدتر نماید. (دیوگو مندز کارباجو ۲۰۱۹) این رویکرد از سوی سه نویسنده مهم اقتصادی یعنی عاجم اوغلو و دیوید لیسون و جان لیست در سال ۲۰۱۷ در یکی از جدیدترین کتاب‌هایی که در زمینه اقتصاد کلان در فضای اقتصاد رفتاری نوشته شده است، برگزیده شده است. در این میان آقای دیوید لیسون که مسئولیت بیان مبانی مبتکرانه رفتار انسانی در دانشگاه هاروارد را بر عهده دارد و یکی از گرایش‌های اصلی او نیز اقتصاد کلان است به همراه دو تن دیگر، این رویکرد را برای آموزش اقتصاد کلان، به عنوان یک متن درسی انتخاب کرده‌اند. به این شکل که آن‌ها پرسش‌های واقعی در زندگی اقتصادی مردم را مطرح می‌کنند؛ یعنی به وقایع جاری اقتصادی در سطح کلان در کلاس درس می‌پردازند تا دانشجویان درباره محیط اطراف خود بهتر و بیشتر بدانند و آنچه در جهان پیرامون خودشان اتفاق افتاده را به خوبی در پاسخ به این پرسش‌ها شرح می‌دهند و این نوع تدریس هم تأثیر بیشتری دارد و هم برای دانشجویان درس اقتصاد کلان، کارایی و جاذبه بیشتری دارد؛ و این یکی از تازه‌ترین روش‌هاست که از سوی اقتصاددانان کلان آن هم در سطح دانشگاه هاروارد به کار گرفته شده است. خوب ما در ایران در سطح کلان برای مثال، در طول چند دهه اخیر، سیاست‌های پولی و مالی را داریم. برای نمونه، یکی از مباحث سیاست‌های مالی اگر بتوان آن را سیاست نامید، سیاست‌های مالیاتی ما در سطح کلان می‌باشد اعم از سیاست‌های مالیاتی به شکل ملی و در سطح منطقه‌ای و استانی که تحلیل کارآمدی این سیاست‌ها بر اساس واکنش‌هایی که مودیان مالیاتی در سطح کشور و کلان اعم از حقیقی و حقوقی انجام می‌دهند، باید در درس اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی تحلیل شود. چرا چون فرض بر

1. FRED (Federal Reserve Economic Data) Dashboard.

این است که این سیاست‌ها از سوی کسانی که در حکومت دینی و با داعیه و انگیزه دینی طراحی می‌شوند ارائه شده است. در این صورت تدریس اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی در زمینه تحلیل سیاست‌های پولی و مالی بر اساس شواهد و آمار می‌تواند به همراه تحلیل آماری و اقتصادی آن هم با رویکرد تحلیل انتقادی، آثار زیر را داشته باشد:

اول: نظریه اقتصادی اسلام در این بخش از اقتصاد کلان را به شکل ملموس و بر اساس شواهد ارائه نماید.

دوم: به پژوهشگران و اساتیدی که این درس را ارائه می‌دهند یک دید بهتر، نزدیک‌تر و واقعی‌تر برای ارائه مطالب در کلاس درس ارائه کند.

سوم: این رویکرد برای دانشجویان درس اقتصاد کلان جذبه کافی دارد. چون بر اساس آمار و شواهد واقعی جامعه ایران و همراه با تحلیل عملکرد سیاست‌ها در چارچوبی اسلامی است. چهارم: نتایج این مطالعه و آموزش برای تصمیم‌گیران اقتصادی می‌تواند تصحیح‌کننده و هدایتگر باشد.

پنجم: چنین رویکردی به شکل مؤثرتری می‌تواند آموزه‌های اسلامی را در ارتباط با سیاست‌های کلان اقتصادی به صورت واقع‌گرایانه و درست‌تری تبیین نماید که قطعاً با فضای تجریدی و بدون ملاحظه شواهد واقعی، نتایج متفاوتی خواهد داشت.

۵. خلاصه و نتایج

این پژوهش با هدف، بررسی و نقد رویکردهای مطالعه و آموزش اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی در سه دهه اخیر در ایران با این پرسش مهم آغاز شد که چرا در دانشگاه‌ها و در بین دانشجویان، تقاضایی برای این دانش نوپا (البته به شکل دستوری و بی‌ارتباط با وضعیت موجود اقتصاد ایران) نیست؟ و چرا اثربخشی لازم را نداشته است؟ آنگاه با روش تحلیل انتقادی، رویکردهای عمده در این زمینه دسته‌بندی و مورد نقد و بررسی قرار گرفت.

- در ادامه، رویکرد پیشنهادی بر محور آزمون فرضیه پژوهش، به طور مستند تبیین شد و نتایج زیر به دست آمد:

- رویکرد تطبیقی - انتقادی برای آموزش درس اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی در شرایط گذار جامعه به‌سوی جامعه ایدئال اسلامی، مناسب است.
- نظریه اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی، به‌طور کافی و مؤثر تبیین نشده است؛ و در مراکز علمی-پژوهشی و تصمیم‌گیری اقتصادی، تقاضای مؤثری برای آن وجود نداشته است.
- آموزش تطبیقی - انتقادی این درس، به همراه انجام مطالعات آماری، موجب افزایش اثربخشی و تقاضای مؤثر برای آن می‌شود.
- یکی از دلایل ناکارآمدی متون اقتصادی با رویکردی اسلامی در کشور ما، افتادن در دام «دوگانه ناسازگار» آموزشی و پژوهشی است؛ یعنی مطالعه و آموزش اقتصاد کلان متعارف در فضا و محیطی بومی و فرهنگی ناسازگار با فروض و یافته‌های آن (دوگان اول) و مطالعه و آموزش اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی در چارچوب و اصول موضوعه و روش و رویکرد اقتصاد کلان متعارف. (دوگان دوم)

منابع

منابع فارسی

- خدیبوی رفوگر، سعید. (۱۳۹۲). روش‌شناسی آموزش در اقتصاد اسلامی با استفاده از رویکرد تحویل‌گرایانه، روش‌شناسی علوم انسانی سال ۱۹، ش ۷۷ زمستان ۱۳۹۲ صفحه ۱۳۳ تا ۱۶۴
- رجبی، ابوذر. (۱۳۹۷). «بررسی تطبیقی رهیافت آیت‌الله جوادی آملی و دکتر نصر در علم دینی تمدن ساز»، دو فصلنامه علمی - پژوهشی علم و دین، دوره ۱۰ شماره ۱۸، بهار و تابستان ۱۳۹۷، صص ۹۵-۱۲۲
- رفیعی آتانی، عطاءالله. (۱۳۹۴). «مبانی، ظرفیت‌ها و محدودیت‌های علم اقتصاد اسلامی به‌مثابه علم بومی» فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی سال پانزدهم شماره ۵۸ تابستان ۱۳۹۴
- الزامل، یوسف بن عبدالله و بن جیلانی، بوعلام. (۱۳۷۸). ترجمه نصرالله خلیلی تیر تاشی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، تهران، چاپ اول
- زریباف، سید مهدی و زندگی، حسین. (۱۳۹۵). رویکرد بایسته آموزشی در مواجهه اقتصاد

اسلامی با پارادایم مقاله مجموعه مقالات چهاردهمین نشست تخصصی اقتصاد اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس

مشیری، سعید. (۱۳۸۱). مروری بر تحولات آموزش و پرورش در اقتصاد کلان در جهان و ایران، فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، تابستان ۸۱ شماره ۱۱

میر معزی، حسین. (۱۳۸۴). اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول

میر جلیلی، سید حسین. (۱۳۹۲). بررسی دو متن درسی در اقتصاد کلان، پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال سیزدهم شماره دوم تابستان ۹۲ صفحه ۱۳۴ تا ۱۰۹

نمازی، حسین. (۱۳۸۷). نظام های اقتصادی، شرکت سهامی انتشار، چاپ پنجم

منابع لاتین

- Ahmed, Abdel-Rahman Yousri (2002)Methodological approach to Islamic economics: its philosophy, theoretical construction and applicability Published in Theoretical foundations of Islamic economics .Jeddah, 2002, p. 19-5
- Al-Jarhi, Mabid (2002): Macroeconomics: An Islamic Perspective. Published in: Proceeding book of International Seminar on Macroeconomics from Islamic Perspective: Theory and Contemporary Issues, September 22-24th, (22 September 2004)
- Blanchard, O.J. (1997), *Macroeconomics*, New Jersey: Prentice-Hall
- Brian Snowden, Howard R. Vane 2005,Modern Macroeconomics,Its Origins, Development and Current State.
- DiegoMendez-Carbajo (2019) ,Experiential learning in macroeconomics through FRED cast,International Review of Economics Education,Volume 30 ,January 2019¹
- Mankiw N. Gregory (2006),The Macroeconomist as Scientist and Engineer,CambridgeProceedings of the Seminar on"Teaching Islamic Economics at University Level" held in Dhaka
-

July 23 to August 05, 1991 With the Cooperation of IRTI of the Islamic Development Bank, Jeddah and the Islamic Foundation, Bangladesh.
Tahir, Sayyid, (1991), MACROECONOMIC THEORIZING FROM ISLAMIC PERSPECTIVE, LESSONS IN ISLAMIC ECONOMICS *VOLUME I* Tahir, Sayyid, (2005), Data Requirements for Macroeconomic Analysis from the Islamic perspective